

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً تشکر می‌کنم از همگی برادران و خواهران که در بخشهای مختلف - و همه هم لازم - مشغول کار و تلاش هسته؛ چه بخش مربوط به نماز، چه زکات، چه نفوس، چه مهدویت و چه بقیه‌ها آنچه که جناب آقای قرائتی بدان کردند. همگی اینها کارهای مهمی است، کارهای لازمی است و حقاً و انصافاً کار در این بخشها یک اتفاق حقّی و صدقهبی مقبولی عندالله تعالی است انشاءالله. از همه متشکر می‌م‌م، ولی بالخصوص از جناب آقای قرائتی لازم است تشکر کند. تشکر که نه؛ چون کار، کار خداست، برای خداست، انشاءالله خداوند بدان ازشان و همکارانشان تشکر کند؛ لکن قدردانی بدان بکنم. من این چند جمله را در جمع شما برادران و خواهران بگویم:

آقای قرائتی یک نمونهبی بسیار خوب و درس‌آموزی است خود ازشان. اولاً کارهایی را که ازشان مباشر آنها شد، دنبال آنها رفت، همایش‌ها، خلأهایی بود که وجود داشت؛ ازشان خلأها را پر کرده؛ خیلی ارزش دارد. بعضی کارها خوبند، اما تکرار ندارند. اگر کسی توانست از آنها را بداند، بشناسد و همت بگمارد بر اینکه این خلأها را پر کند، این ارزش مضاعفی دارد. ازشان اینجور عمل کرده است؛ هم در قضا، هم نماز، هم عظمت، با این همه مت، رکن دین، ما هم قبول همگی اعمال انسان، این مورد بلامعتنایی قرار بگیرد در جامعه، توجه لازم به آن نشود. این، خیلی خلأ بزرگی است - ازشان به این خلأ پرداخت، هم مسئله زکات، که واقعاً در جامعه ما مطرح نبود و خود این مطرح نبودن یک نقطهبی ضعف بود، یک نقص بود، ازشان همت کرد، وارد شد؛ همه جا برو، همه جا بگو، به همه اصرار کن، خسته نشو، تا این به جبران بفتند. قضا هم نفس رهم بجزور است، قضا هم مهدویت و بقیه هم قضائیی که حالا ازشان دنبال میکنند؛ این یک نکته است در کار آقای قرائتی عزیز و محترممان.

نکتهبی دوم که اهمت از آن نکتهبی اول بیشتر هم هست، صفا و خلوص ازشان است. خود این صفا هم موجب شده است که ازشان بتواند کارها را پیش ببرد. خدای متعال با اینتهای خالص همراه است؛ خلوص اینتأثر عجب بی دارد در بشفرت کارهایی که با ایننت انجام می‌گیرد. اینهم یک نکته است؛ خیلی مهم است.

من اینها را عرض کردم نه برای خاطر اینکه حالا بخواهم از یکی تجلیل کنم یا یکی را بزرگ کند. اینها که نه مورد احتیاج و انتظار آقای قرائتی است، نه ما دنبال اینچیزها هستیم؛ می‌خواهیم اینجور کار کردن برای ما - برای همهمان، بخصوص ما طلبهها - الگو بشود؛ یعنی اینجور حرکت کند؛ نه اینکه حالا هم اینکارها را بکنیم؛ بلکه به این معنا که بگردیم دنبال خلأها، دنبال آنچه که نیاز به آن هست، اینها را بدانیم. هر کسی ذوقی دارد، استعدادی دارد، تواناها بی دارد، ظرفی دارد، از این ظرفیت استفاده بشود برای اینکه کار انجام بگیرد. این یک

دوم، استمرار و پایداری، که من حالا هم اینجا از خود آقای قرائتی و همکاران ازشان هم می‌خواهم که این کارهایی که شروع کردند، مطلقاً اینها را رها نکنند؛ این کارها پایداری بشود، دنبالگری بشود. اینجور نباشد که یک کاری را شروع کند، بمجرد اینکه برکاتی، ثمراتی از آن ظاهر شد، خرسند بشویم، خوشحال بشویم، خدا را هم شکر بکنیم، ولی احساس بلامت از بی، احساس بی به ما دست بدهد؛ نه، با اینکار دنبال بشود. اما دوار بانشاءالله خداوند به ازشان، به همگی شما برادران، خواهران عزیز کمک کند، طول عمر بدهد، سلامتی بدهد که بتواند این کارها را دنبال کند؛ اینها مهم است.

اما مسئله مهدویت که این روزها به مناسبت نزدیکی زمی شعبان و عید بزرگ اسلامی - بلکه بشری - با طرح این مسئله تناسب دارد، هم اینقدر با اینعرض کنیم که مسئله مهدویت در شمار چند مسئله اصلی در چرخه و حلقهبی معارف عالی همی دینی است؛ مثل مسئله نبوت مثلاً، اهمت مسئله مهدویت را در این حد بدان دانست. چرا؟ چون اینچیزی که مهدویت مبشر آن هست، همانچیزی است که همگی انبیا، همگی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداختهبی بر اساس عدالت و با استفاده بی از همگی ظرفیتهایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یکچنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه). دوران جامعهبی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقّی معنویت و

د ن بر سراسر زندگی انسانهاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع آن کلمه است. خب، انبء برای آن آمدند.

ما مکرر عرض کردیم که همهی حرکتی که بشریت در سایه تعالی بر آن پایه در طول آن قرون متماد به انجام دادند، حرکت به سمت جادهی اسفالتی عرضی است که در دوران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد. مثل آنکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر و راههای دشوار و باتلاقیزارها و خارستانها با راهنماهایی کسانی هم به طور حرکت دارند میکنند تا خودشان را به آن جادهی اصلی برسانند. وقتی به جادهی اصلی رسیدند، راه باز است صراط مستقیم روشن است حرکت در آن آسان است راحت در آن راه حرکت میکنند. وقتی به جاده اصلی رسیدند، آنجا نرسیده است که حرکت متوقف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع میشود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمامشدنی است. در طول آن قرون متمادی، بشر از کجراهها، براهها، راههای دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح شده و زخم‌آلود، در این راهها حرکت کرده است تا خودش را به آن جادهی اصلی برساند. آن جادهی اصلی همان جادهی زمان ظهور است همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به آنک معنا از آنجا شروع میشود.

اگر مهدویت نباشد، معنایش آن است که همهی تلاش انبء، همهی آن دعوتها، آن بعثتها، آن زحمات طاقتفرسا، آنها همهاش بیهوده باشد، بیهوده بماند. بنابراین، مسئلهی مهدویت یک مسئلهی اصلی است جزو اصولاً آن معارف الهی است. لذاست که در همی ادیان الهی هم تقریباً - حالاً تا آنجائی که ما اطلاع داریم - یک چیز است که لب و معنای حققی آن همان مهدویت است، وجود دارد، منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون آنکه درست روشن باشد که چه خواهند بگویند.

مسئلهی مهدویت در اسلام هم جزو مسلمات است معنی مخصوصش معنی نیست. همهی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامهی حکومت حق و عدل به وسیلهی مهدی (عجل الله و السلام و عجل الله فرجه) است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم و از بزرگان نقل شده است. بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. منتها امت از شش صد سال پیش است که مسئلهی مهدویت در آن یک مسئلهی مبهم نیست یک مسئلهی پدیدهای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست یک مسئلهی روشن است، مصداق واضحی دارد که آن مصداق راه شناسیم، خصوصاً آنی از او را میدانیم، پدران او را میدانیم، خانوادهی او را میدانیم، ولادت او را میدانیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرفی هم باز روایات شش صد ساله، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتی روایاتی از غیر طرق شش صد ساله هم در معرفی را برای ما روشن میکند و با دستگسائی که مال مذاهب دیگر هستند، توجه کنند و دقت کنند تا این حققت روشن را دربر آورند. بنابراین، اهمیت مسئله یک چیز است سطحی دارد و ما بیشتر از دستگران اولی هستیم به آنکه به آن مسئله پردازیم؛ کارهای علمی و دقیق و متقن روی آن مسئله انجام بگیرد.

مسئلهی انتظار هم که جزء لاینفک مسئلهی مهدویت است، از آن کلیه دواژههای اصلی فهمیدن و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار معنی ترغیب، معنی مترصد یک حققتی که قطعی است، بود؛ آن معنای انتظار است. انتظار معنی آن آینه حتمی و قطعی است بخصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ آن خلیفهی مسئلهی مهمی است. آنجا نرسیده است که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایات دارد که مردم او را میدانند، همچنانی که او مردم را میدانند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت وسف که برادران او را میدانند، بن آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه می‌رفت، ولی نمی‌شناختند. یک چیز است حققت بارز، واضح و برانگیزاننده؛ آن کمکی میکند به معنای انتظار. آن انتظار را بشریت نداشت، امت اسلامی به طرق اولی نداشت. آن انتظار، تکلیف بردوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان آینه دارد که یک چیز است آینه‌های هسته‌همچنانی که در آیات قرآن هست: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض رهنا عبادی الصالحون. ان فی هذا لبلغا لقوم عابدین» (۱) - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، فهمند - با خود را آماده کنند، با دستمنتظر و مترصد باشند. انتظار لازمهاست آمادهسازی خود هست. بدانیم که یک حادثهی بزرگ واقع خواهد شد و هم شش صد سال پیش وقت نمیشود گفت که حالا سالها مدتها مانده است که آن اتفاق بیفتد، هیچ وقت هم نمیشود گفت که آن حادثه نزدیک است و در هم نرسد کی اتفاق خواهد افتاد. هم شش صد مترصد بود، هم شش صد مترصد بود. انتظار را چاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن همت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن

خلق و آن شکل و آن همت متوقع است. ۱. بنی‌لزمهی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چیز بنی‌دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هسته‌ایم، با خودمان را به آن امور نزد یک کرم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چیز بنی‌حالی را به وجود می‌آورد.

یکی از خصوصیات آنی که در حق وقت انتظار گنجانده شده است، آن است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پذیرش شرفی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواید روزی بنی‌شرف را، آن بنی‌تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. آنها لوازم انتظار است.

خب، بحمدالله امروز کسانی دارند در مسئله‌ی انتظار کار عالمانه می‌کنند؛ آن طوری که در گزارش‌های جناب آقای قرائتی بود و قبلاً هم آن گزارش را خوانده بودم، حالا هم که ایشان اشاره کردند و گفتند. از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور بنی‌غفلت کرد. و از کار عام‌انه و جاهلانه بشدت با پذیرش کرد. از جمله‌ی چیزهایی که می‌تواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عام‌انه و جاهلانه و دور از معرفت و غیرمتکی به سند و مدرک در مسئله‌ی مربوط به امام زمان (عجلالله تعالی فرجه الشریف) است، که هم بنی‌زمینه را برای مدد آن دروغ بنی‌فراهم می‌کند. کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخاللات و توهمات! نجور کاری مردم را از حالت انتظار حق قی دور می‌کند، زمینه را برای مدد آن دروغگو و دجال فراهم می‌کند؛ از آن بنی‌بستگی بشدت پرهیز کرد.

در طول تاریخ مدد آنی بودند؛ بعضی از مدد آن هم بنی‌چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان آن بر یک کسی تطبیق کردند؛ همهی آنها غلط است. بعضی از آن چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نداشته است؛ فاست، نمی‌شود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، آن نجور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همه‌ی شعرهای آن بنی‌شعرهای شاه نعمت‌الله ولی را - در طول سالهای متمادی و در موارد زیادی - بر آدمهای مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند، که بنی‌دادم. گفتند بله، آن بنی‌که گفته من فلان کس را، فلان جور می‌بینم، آن بنی‌فلان کس است؛ یک شخصی را گفته‌اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیدا کردند و به او تطبیق کردند؛ آنها غلط است، آنها کارهای منحرف‌کننده است، کارهای غلط‌انداز است. وقتی انحراف و غلطی به وجود آمد، آن وقت حق وقت، مهجور خواهد شد، مشابه خواهد شد، وسایلی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کار عوامانه، از تسلی شدن در مقابل شایعات عام‌انه با سستی بشدت پرهیز کرد. کار عالمانه، قوی، متکی به مدرک و سند، که البته کار اهل فن آن کار است، آن هم کار هر کسی نیست، با اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند، حقایق را بشناسد، آن وقت می‌تواند در آن زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. آن بنی‌بخش از کار را هر چه ممکن است، بیشتر با جدی‌گرفت تاریخ انشاءالله برای مردم باز شود؛ هر چه دلها با مقوله‌ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، آن برای دنیای ما و برای پذیرش شرف ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.

آن بنی‌توسلاتی که در گزارشات مختلف وجود دارد که بعضی از آنها اسناد خوبی هم دارد، آنها بسار ارزش است. و توسل، توجه، انس با آن بزرگوار از دور. آن انس به معنای آن بنی‌نست که حالا کسی ادعا کند که من خدمت حضرت می‌رسم؛ صدای ایشان را می‌شنوم؛ ابدأً نجور نیست. غالب آنچه که در آن زمینه گفته می‌شود، ادعاهایی است که از دروغ است، از طرف دروغ هم نمی‌گویند، تصور می‌کنند، تخال می‌کنند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگوئی نبودند، اما خال می‌کردند، تخال می‌کردند؛ تخاللات خودشان را به عنوان واقعیت برای آن بنی‌و آن نقل می‌کردند؛ بنی‌سستی تسلی آنها شد. راه درست، راه منطقی. آن توسل، توسل از دور است؛ توسلی است که امام آن را از ما می‌شنود، انشاءالله می‌پذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف می‌زنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلام سلامت‌دهندگان و پیام‌آمدهندگان را به آن بزرگوار می‌رساند. آن بنی‌توسلات و آن انس معنوی بسار خوب و لازم است.

ام‌دوار می‌انشاءالله خداوند متعال ظهور آن حضرت را هر چه نزدیک‌تر کند، ما را جزو اران آن بزرگوار، هم در غیبتش، هم در حضورش قرار بدهد و انشاءالله ما را جزو مجاهدان در کنار آن بزرگوار و شهیدان در رکاب آن بزرگوار قرار بدهد.

والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

(1) انب: ۱: 105 و 106

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری

www.khamenei.ir